



قضایا و برتری مقام قضاوت نسبت به تمامی شغلها و سمتهاست. و یک نوع مشکلات اختصاصی که در دعاوی خانوادگی دیده می شود دخالت والدین طرفین می باشد که مع الاسف به جای اینکه والدین مصداق تواصو ببالحق و تواصو بالصبر باشند مصداق منهی لا تعاونوا علی الاثم و العدون می باشند، طلاق که عرش خدا را به لرزه در می آورد والدین به جای اینکه آتش را خاموش کنند شعله ورتر می کنند.

■ چه راهکارهایی برای رفع این مشکلات به نظر می رسد؟

بهترین راهکار بالا بردن فرهنگ دینی بین مردم می باشد که این مهم به عهده دستگاههای فرهنگی کشور است هر چه عملکرد آنان بهتر و بیشتر باشد طلاق کمتر و به صفر منتهی می شود و کثرت طلاق معلول عمل نمودن دستگاههای مذکور به وظیفه خویش می باشد. البته شاید از هر صد مورد دعوای طلاق ۱۰ مورد آن جزء موارد لاینحل و بالاجبار باشد که چاره ای جز آن نیست ولی بقیه موارد ارتباط با مورد مذکور دارد.

■ به نظر شما آشنایی دختر و پسر قبل از ازدواج البته در قالب شرعی (صیغه محرمیت یا عقد) چه تأثیری در تداوم و بقای زندگی دارد.

به نظر این حقیر، نه تنها هیچ نیازی به این امر نیست بلکه خواندن صیغه محرمیت موقت در زمان فعلی که بدون ثبت در محضر باشد در آن خانواده هایی که منجر به طلاق می شود مشکل را دو چندان می کند اگر در عقد دائم ثبت شده، زوج که تمام امید به آینده را از دست داده نتواند و یا به سختی بتواند به حق خود برسد در عقد موقت بدون ثبت در محضر که اثبات آن در محاکم امری صعب می باشد به مراتب زوجه را دچار مشکل می کند بهترین را حل همان است که در جواب سوال قبل عرض کردم.

■ شوراهای حل اختلاف چه کمکی می تواند برای پرونده های خانوادگی باشد؟

به نظر این حقیر شورای حل اختلاف اگر صرفاً کارش حل اختلاف و ایجاد فرهنگ صلح و سازش در جامعه باشد بسیار امری پسندیده و از مصادیق بنیان مرصوص می باشد که البته اگر این فرهنگ فراگیر شود در سازش بین خانواده ها بسیار موثر خواهد بود اما اگر به شورای حل اختلاف اختیار صدور حکم داده شود چنانچه در اموری مثل خلع بد، تخلیه و امور مالی کمتر از یک میلیون تومان چنین اجازه ای داده شد به نظر این حقیر و یا شاید خیل عظیمی از قضات و حقوق دانان کشور امری بسیار اشتباه می باشد، سپردن کار قضاء و امر قضاوت به غیر قاضی با هیچ منطقی سازگاری ندارد آیا می شود چنین استدلال کرد که چون مرضی زیاد است و پزشک کم، بیمارهای ساده مثل سرما خوردگی و سردرد نیاز به پزشک ندارد به کاسب محل مراجعه شود و به تجویز او عمل کرد؟! طبابت مهمتر است یا قضاوت قاضی که با جان و

دعاوی خانواده در دادگاه می شود.

■ علل مختلف و انگیزه طلاق در بین زوجین از دیدگاه جناب عالی چیست؟

علل اصلی به ترتیب، بنا به واقعیات مطروحه پرونده ها در دادگاه، عبارتند از؛ عدم اشتغال زوج و یا نداشتن شغل با درآمد مناسبتر برای مقابله با تورم و حفظ خانواده در مقابل کوران بی نظمی اقتصادی در جامعه - نداشتن مسکن مناسب و مستقل در حد درآمد زوج - اعتیاد به مواد مخدر، که عمده اعتیاد را زوج مرتکب می شود که ناشی از عدم تأمین نیازهای موارد اخیر عمدتاً و ایضاً فقر فرهنگی و عدم توجه به دستورها و ارزشهای گرانبهای دینی اسلام عزیز و عدم تبعیت از مراجع عظام است.

حال با کمی دقت، متوجه خواهیم شد که اگر پسر و دختر جوانی که با عشق و علاقه به عقد یکدیگر در آمده اند و به دستور شرع انور، خود را از گناه دور و به رسول اکرم (ص) نزدیک نموده اند برای شروع زندگی مسکن مناسب ولو کوچک و مستقل برای آرامش خود نداشته باشند با گذشت زمان، بلا تکلیف مانده و با ظهور ناامیدی نسبت به آینده ای نامشخص و اینکه اصولاً نیازهای مادی زندگی زناشویی با کدام درآمد می باید بر طرف گردد. انگیزه مراجعه به دادگاه خانواده ظهور خواهد کرد. وقتی که زوج معتاد به مواد مخدر باشد (که تعداد بسیار اندکی، اعتیاد در زوجه مشاهده گردیده است)، امنیت مادی و اخلاقی و حیثیتی زوجه و فرزندان مشترک به خطر افتاده و فقر و نکبت جای صلح و صفا و عزت را در خانواده گرفته و عرصه بر زوجه تنگدست، تنگ تر گردیده و به دادگاه پناه خواهد آورد. رفتارهای خلاف ارزشهای دینی و عدم رعایت تقوای کلام و زبان و حرکات زوجین، بر خلاف اعتیاد زوج به مواد مخدر، که در بین زنها نیز متداول و در صد قابل توجهی از ریشه اختلاف را به خود اختصاص داده اند، انگیزه مراجعه به محاکم خانواده است و عدم سعه صدر

مال و ناموس مردم سر و کار دارد.

■ پیشنهاد شما نسبت به کاهش پرونده چیست؟ پیشنهاد این حقیر آن است که پنج شنبه ها تعطیل شود به جای آن کار قضائی هر روز تا ساعت ۱۶ ادامه یابد در روزهای پنج شنبه اکثر شعب وقت رسیدگی نمی دهند و ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه هم عملاً تعطیل می شود پس کمتر گره ای از مشکلات مردم در این روز حل می شود اما اگر روزهای دیگر تا ساعت مذکور کار ادامه یابد حداقل در هر روز به دو پرونده مازاد بر پرونده های فعلی وقت رسیدگی داده می شود که در نتیجه ۱۰ پرونده در هفته بیشتر مورد رسیدگی قرار می گیرد که در مجموع تأثیر بسزایی در حل مشکل مردم دارد.

«سید حسین مهدوی - رئیس شعبه ۸ دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری ری»

پرونده های منجر به حکم بایش از ۲ ماه از ارسال برای تایپ، به شعبه باز نمی گردد

دارای تحصیلات لیسانس حقوق قضایی، از سال ۱۳۷۵ شروع به کار قضایی نموده و تاکنون در سمتهای قاضی تحقیق، دادرسی دادگستری ورامین، رئیس شعبه ۱۵ دادگستری ری فعالیت نموده و در حال حاضر رئیس شعبه ۸ دادگاه عمومی و حقوقی دادگستری ری (مربوط به دعاوی خانوادگی) فعالیت می نماید.

■ علل مراجعه زوجین به محاکم خانواده چیست؟ شعبه خانواده، پرونده های مخصوص به خودش را دارد و امور مربوط به اختلافات زوجین، یعنی افراد یک خانواده به عنوان پایه و رکن جامعه در آن رسیدگی می شود و به خصوص، به لحاظ خانواده و افراد آن در اسلام عزیز، شیوه های خاصی را در رسیدگی به پرونده های خانواده می طلبد و علل و عوامل متعددی، موجب طرح

و نداشتن گذشت، کیان خانواده را در معرض تلاشی قرار می دهد.

■ با توجه به شناخت شما از بافت خانوادگی شهرستان ری، کدام یک از عوامل منجر به طلاق زوجین می گردد؟

البته، ارزشهای دینی در مردم این حوزه قضایی ریشه دار تر است و تعداد پرونده مطروحه ناشی از عدم رعایت حقوق معنوی و اخلاق یکدیگر، قابل مقایسه با پرونده های تقاضای طلاق زوج به دلیل اعتیاد زوج به مواد مخدر، نیست. قابل تأکید است که صرف نظر از علل متعدد طرح دعوی طلاق و پرونده های خانوادگی، اعتیاد زوج به هر دلیل به مواد مخدر، رتبه اول طرح انواع دعوی خانواده بویژه طلاق در محاکم را داراست و این یک آمار واقعی است.

■ چه پیشنهاد و راهکاری برای کاهش آمار طلاق و تداوم زندگی افراد جامعه دارید؟

باید فکری برای معضل اعتیاد به مواد مخدر نمود که از ما قضات، همین تذکر خطرناک بودن توضیح مواد مخدر بین مردم و جوانان، بویژه برای مسؤولان کافی است و دستورهای رهبر معظم انقلاب اسلامی را آویزه گوش قرار دهند و هر چه سریعتر و بدون فوت وقت در جهت ایجاد اشتغال و ایجاد زمینه کسب درآمد مناسب برای تشکیل خانواده توسط جوانان و ریشه کن کردن اعتیاد به مواد مخدر جوانان نهضتی را بنهینند که کیان خانواده، یعنی مبدأ تربیت را از آفات مصون نمایند.

■ آیا جدایی زوجین قبل از مراسم ازدواج و در همان مرحله عقد بهتر نمی باشد؟

البته طلاق قبل از عروسی و برگزاری مراسم یعنی پس از عقد نکاح و قبل از رفتن به محل زندگی مشترک با توجه به اجتناب ناپذیر بودن امر جدایی بین زوجین، آثار نامطلوب و حقوقی کمتری را به همراه خواهد داشت. از آن جمله نداشتن فرزند طلاق و آثار و تبعات خطرناک آینده طفل مشترک و بقای بکارت زوجه، و آثار حقوقی آن و زمینه ازدواج سریعتر بعدی زوجه، و عدم بروز آثار استرسی و روانی در پاکره و اولیاء و خانواده او و حتی در زوج و خانواده او نیز خواهد بود. چرا که، وقتی طفلی در میان نباشد، زوج متقبل هزینه های اتفاقی او نخواهد بود و آثار حقوقی حضانت طفل نیز منتفی است. و قطع کامل ارتباط زوجین به واسطه طلاق، قبل از عروسی (بعد از نکاح) و در حالی که زوجه پاکره است. آثار و تبعات منفی کمتری در جامعه بروز و ظهور خواهد کرد و طرفین، بعد از جدایی آرامش خود را سریعتر به دست خواهند آورد و به طور مستقیم نیز در محاکم، مؤثر خواهد بود و تعداد پرونده های مطروحه چنین زوجینی، به حداقل ممکن خواهد رسید.

■ ماهانه چند پرونده دارید که منجر به صدور حکم طلاق می شود؟

صرف نظر از نوع طلاقها، سطح آمار طلاق



سید حسینی مهدوی

الهی و توسل به خداوند سبحان، در کار نباشد امکان تحمل فشار جانگناه ناشی از رسیدگی به حجم کثیری از پرونده های ارجاعی خانواده و صلاحیتهای احصایی محاکم خانواده، وجود نداشت.

توجه به مشکلات دادگاهها، بویژه شعب خانواده از وظایف مسؤولان قوه قضاییه است. آمار وارده ارجاعی ۱۹۴، ۱۵۱، ۲۰۱، ۲۱۹، ۲۶۹ و ۱۶۸ پرونده ماههای مهر تا اسفند ۱۳۸۲ و مختومه های ۱۷۴، ۱۶۴، ۲۱۲، ۲۴۲، ۲۱۳ و ۱۹۵ فقره پرونده، برای یک قاضی رییس شعبه و بدون دادرسی بدون توجه به مشکلات قاضی شعبه و کارکنان اداری شعبه، توقع ما لایطاق است. عدم ابلاغ به موقع و صحیح اظهاریه دعوت طرفین و یا عدم بازگشت نتیجه اظهاریه دعوت طرفین به دادگاه، مشکل و معضل اصلی اطلاع دادرسی در این شعبه است.

نداشتن دادرسی واجد شرایط قانونی برای دادگاه خانواده و عدم رسیدگی به پرونده مردم در ایامی که رئیس شعبه در مرخصی است که ارجاع قضایی نیز صورت می گیرد خود موجب اطلاع دادرسی و سرگردانی و مراجعه آرباب رجوع و ایجاد اختلال در روند امور عادی دادگاه و دفتر دادگاه است. ایضاً، بروز امور موردی و فصلی کمبود نیروی اداری و ماشین نویسی که احکام و دادنامه ها که پرونده ها تلاش شده در کوتاه ترین مدت دادرسی رسیدگی و منجر به صدور حکم گردد، با بیش از دو ماه از ارسال برای تایپ، به شعبه باز نمی گردد و طرفین پرونده را وادار به مراجعه به دادگستری و دادگاه و دفتر دادگاه برای پیگیری می نماید و باعث اختلال در روند امور دادگاه و دفتر دادگاه می گردد. از جمله مشکلات دادگاه، تنظیم دادخواست توسط عریضه نویسان و ذکر عناوین و خواسته های خودسرانه، برای خواهان، به دلیل عدم اطلاع خواهان از حداقل مقررات قانونی برای طرح خواسته است، عریضه نویسانی که اطلاعاتی از

هر چند در یک سیکل متناوب است اما در مجموع، در یک دوره سه تا دوازده ماهه، حکایت از رشد طرح دعوی خانوادگی، بویژه طلاق در محاکم دارد و با وجود سه شعبه عمومی حقوقی (خانواده) در شهری، آمار رسیدگی به موضوع طلاق با توجه به آمار موجود، در سه ماهه آخر سال ۱۳۸۲ فقط در این شعبه، به طور میانگین ۵۷ پرونده طلاق در ماه بوده است حتی با لحاظ انصراف بعضی زوجین از اجرای احکام مذکور و عدم تمایل به ادامه پیگیری احکام آمار مزبور به هر دلیل، باز هم آمار مزبور نیاز به توجه و عنایت مسؤولان حکومتی و مملکتی دارد. و گذر بی توجهانه از آن هیچ توجیه شرعی و قانونی ندارد.

مزید اطلاع مسؤولان محترم کشور بویژه مقامات معزز اجرایی و تقنینی، که پرونده ها و دعوی وارده در سه شعبه عمومی حقوقی (خانواده) این حوزه به واسطه بافت جمعیتی و کارگری و عدم تمکن مادی و نداشتن زمینه اشتغال برای زوج و توزیع مواد مخدر، میانگین بیش از ۳۰ درصد کل پرونده های وارده به دادگستری را به خود اختصاص می دهد. یعنی بروز هر اختلاف خانواده، دعوی بعدی مطالبه مهریه و ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی و مطالبه نفقه زوجه و ادعای و مطالبه نفقه فرزندان مشترک توسط زوجه و تقاضای الزام به تمکین زوجه و ادعا اعسار از پرداخت نقدی و دفعتاً واحده محکوم به (مهریه یا نفقه) و تقاضای تقسیط آنها، بویژه مهریه و دعوی تقاضای صدور قرار تأمین مهریه و جهیزیه و نفقه و تقاضای استرداد جهیزیه و . . . بالاخره تقاضای صدور جواز طلاق را، به همراه خواهد داشت. دقت شود این یعنی یک امر مالایطاق برای محاکم خانواده این دادگستری آن هم، با امکانات و شعب و قضات موجود.

■ مشکلات در امر رسیدگی به پرونده های خانواده را مشروحاً توضیح دهید؟

به طور قاطع اعلامی می نمایم که اگر توفیقات

وقت ۲۵ روزه قرار می‌گیرد و به لحاظ حضور توافقی طرفین در ارجاع امر به داور و تشکیل جلسه دادرسی، ابلاغ واقعی و حضوری دعوت می‌شوند. از دیگر اثرات مثبت آن، معرفی داوران توسط زوجین به صورت همزمان به دادگاه است که دادگاه می‌تواند به نحو مطلوب تری حکمی را جهت تلاش برای سازش زوجین و انصراف از جدایی، توجیه نماید. امر مهمی که در آیه ۳۵ از سوره مبارکه نساء به آن تأکید گردیده است و در این شعبه، به آن اهمیت بسزایی داده می‌شود و حتماً جلسه‌ای توجیهی برای داوران در وقتی مناسب تشکیل می‌گردد و نتایج خوبی هم داشته است. که البته، حکمین با سواد و متدین موفق تر بوده اند.

مراجعه زوجین به صورت توافقی به دادگاه، آنان را از اثرات سوء و نامطلوب مدت زمان جدایی با علقه زوجیت طرفین که از یکدیگر دوره بوده و با یکدیگر جهت روابط زناشویی تماسی ندارند می‌رهاند. یعنی قصد و اقدام و اخذ حکم جواز طلاق و اجرای آن که برای زوج نیز مدت و ایام عده را نیز به همراه دارد، در مدت کوتاه تر، آثار سوء روانی کمتری با توجه به تراکم شدید پرونده‌های دادگاه، خواهد داشت و حتی تکلیف فرزندان مشترک نیز سریعتر روشن خواهد شد و کمتر شاهد درگیرهای لفظی یا فیزیکی و تنش احتمالی بین اولیای خود خواهند بود.

یکی از مهمترین انگیزه‌های طلاق توافقی این است که زوجین تمایل ندارند افراد یا اشخاص بیشتری از اختلاف و طلاق آنان مطلع شوند یعنی با اینکه قصد جدایی از یکدیگر دارند قبح آن را نیز درک می‌کنند اما صلاح نمی‌دانند که کسی از حمل آنان آگاه شود. و این توقع زوجین بعضاً تا حدی است که حتی به ابلاغ دعوت و اخطار به و به خصوص ابلاغ دادنامه جواز اطلاق به خود معترض می‌شوند و آن را امور خصوصی تلقی و به قانون نیز ابراز می‌نمایند.

به عنوان یک تجربه واقعی، جالب است بیان شود. درگیرهای لفظی و فیزیکی زوجین و اولیای آنان در دادگستری و مقابل درب دادگاه و با دادگاه، و با خارج از آن، مربوط به طلاقهای غیر توافقی است یعنی تقدیم دادخواست طلاق توافقی، دادگاه و محیط آن را از تنشهای لفظی و فیزیکی طرفین، مصون نگه می‌دارد. چرا که برخوردهای لفظی و فیزیکی در دادگاه، امری هادی است.

طلاق توافقی، کمتر جنبه های منفی دارد که قابل مقایسه با جنبه های مثبت آن نیست.

- سوء معاشرت همسر (هر یک از زوجین) چه ابعاد و معیارهایی دارد؟
- از موارد بروز اختلاف، سوء معاشرت و یا سوء رفتار هر یک از طرفین است که متأسفانه موارد مطروحه، حکایت از ارتکاب بیشتر زوج به اعمال

جالب است. همچون رسیدگی به تقاضای طلاق توافقی زوجین بسیار جوانی، که زوج راکب موتورسیکلت بود و پس از تصادف با عابر پیاده منجر به فوت عابر، چون توانایی پرداخت دیه را نداشت. زوجه ۱۷ ساله خود را به دادگاه آورد و طلاق داد تا مبادا با زندان رفتن وی، زوجه سرگردان و بلا تکلیف بماند و یا پرونده‌هایی که منجر به سازش گردیده و شادی را به زوجین باز می‌گرداند. در حال حاضر آمادگی یادآوری مورد جالب و نادر از پرونده را ندارم انشاء... در فرصت بعدی.

■ طلاق توافقی چیست؟
از پرونده های طلاق، تعدادی را طلاقهای توافقی تشکیل می‌دهند. یعنی مراجعه زوجین با یکدیگر و در معیت هم به دادگاه که با انگیزه تسریع در رسیدگی به طلاق و با رعایت احترام یکدیگر و جلوگیری از بروز هرگونه درگیری با یکدیگر به لحاظ عدم امکان سازش یا نداشتن توافق اخلاقی، هر دو متقاضی صدور جواز طلاق هستند و طلاق مطروحه از نوع باین و بسته به تشخیص زوجین و کراهت طرفین نسبت به یکدیگر، از نوع خلع یا مبارات ثبت و اجرا می‌گردد. و این نوع طلاق نیز در بند یک ماده ۸ قانون حمایت خانواده نیز پیش بینی شده است.

■ اثرات مثبت و منفی طلاق توافقی چیست و آیا طلاق توافقی مطلوب است؟
اثرات مثبت طلاق توافقی، یعنی حضور توافقی طرفین در دادگاه، که حکایت از تعقل و تفکر زوجین برای رعایت احترام یکدیگر و جلوگیری از بروز هرگونه تنشهای عصبی و فیزیکی است، این است که بدو از اطلاع دادرسی به نحو چشمگیری جلوگیری نموده و طرفین، همزمان و اغلب با آرامش حضور دارند و زمینه صحبت با آنان و مساعی دادگاه و بویژه حکمین برای سازش زوجین فراهم است.

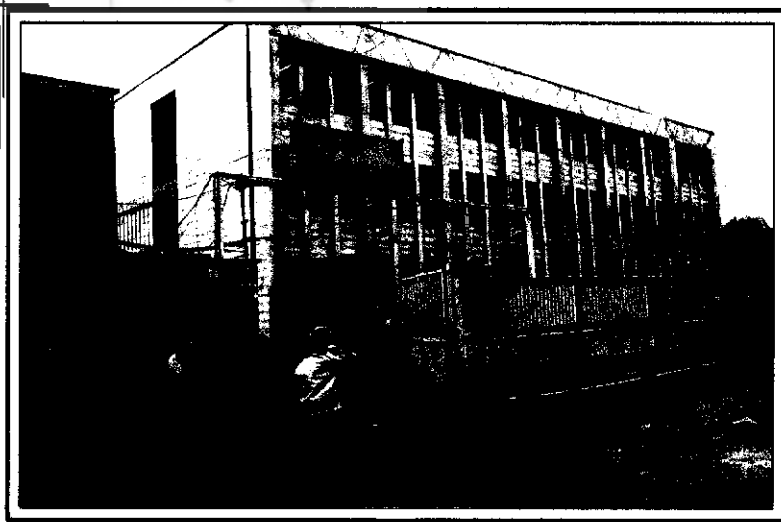
طلاقهای توافقی در این شعبه در اوقات دادرسی ۶ تا ۱۵ روزه و بسته به حجم پرونده های موجود تا

قانون و حقوق مدنی نداشته و عناوین خواسته و میزان مقوم را با اشتباه قید و خواهان و طرفین پرونده را سرگردان و هزیننه‌هایی را به آنان تحمیل می‌نمایند. که خواسته اصلاح شناسنامه و مندرجات آن را اثبات نسب در دادخواست مردم ذکر و اختلاف در صلاحیتها و اطلاع دادرسی را باعث می‌گردد. که از این قبیل معضلات ایجاد شده توسط عریضه نویسان به عنوان مستأجران واحدهای تجاری مستقر در دادگستریها، فراوان است که از حوصله این مقوله خارج است و برای رفع این معضل مزاحم برای محاکم و مردم، می‌باید آنان باید به وکیل قابل و مجرب با حق الوکاله و حق المشاوره ارزان دسترسی داشته باشند. چرا که، یک وکیل مجرب با توجه به سوابق خود می‌تواند در هدایت سریع و صحیح موکل خود جهت طرح صحیح خواسته و یا دفاع واقعی، به دادگاه کمک نماید.

■ آیا تا کنون در امر رسیدگی به پرونده های طلاق، در این شعبه، زوجین با ارشاد جناب عالی به عواقب طلاق پی برده و با ادامه زندگی، متقاضی انصراف و مختومه شدن پرونده شده اند و به نظر شما عواقب طلاق چیست؟

البته، وجود داشته و خواهد داشت پرونده‌هایی که با مساعی و تلاش دادگاه و یا حکمین، موجب سازش زوجین گردیده و به زندگی مشترک بازگشته اند و تقاضای مختومه شدن پرونده را نموده اند، لکن، همان تعداد پرونده منجر به طلاق با آمار بالای فعلی، فرزندان سرگردان طلاق زیادی خواهد داشت به مصائب متعدد اجتماعی و زنان بیوه و مردانی که طلاق را شکستی در زندگی تلقی و آثار روحی و روانی آن را می‌باید سالها تحمل نمایند و طلاق، بار مالی سنگینی بر طرفین، بویژه مرد و نیز، دولت و مردم از طریق هزینه های رسیدگی به دعوای زوجین تحمیل خواهد کرد.

کار قضایی مملو از خاطرات تلخ و شیرین و



مذکور است. از قبیل اعتیاد زوج به مواد مخدر و تدخین آن و یا تزیین آن در خانه و در حضور اعضای خانواده و اطفال و یا در دستشویی و یا دعوت دوستان خود به خانه و مصرف مواد مخدر و تهدید امنیت و حیثیت خانواده و اجبار زوج و یا دختر خود به پذیرایی طولانی از آنان، و تهدید و اجبار زوج به ارتکاب اعمال خلاف عفت برای کسب درآمد مصرف مواد مخدر، ارباب و ضرب و شتم زوج و فرزندان، و داشتن سوابق کیفری و اصرار به ادامه ارتکاب جرایم موجب هتک آبروی زوج و خانواده و شرب مشروب الکلی چه در خفاء و چه به صورت علنی در منزل و در حضور دیگران و نگهداری آن در یخچال و در کنار مواد خوراکی و تجری در این امر و ایجاد مزاحمت برای خانواده و دیگران و معاشرتهای خلاف شرع و قانون با اجنبی و ازدواجهای منقطع متعدد و عدم رعایت قیود اخلاقی و ارزشی دینی از سوی زوج، که امکان ادامه زندگی سالم و آرام و بدون مشقت را سلب و موجب طلاق می گردد.

■ چرا زوج معسر از پرداخت مهریه برای تقاضای تقسیم باید روانه زندان شود؟ آیا زندان رفتن صحیح است؟ آیا قانونی برای جلوگیری از این امر وجود دارد چه راهکار و پیشنهادی برای حل این معضل که در سیستم قضایی بدعت شده است دارید؟ مشروحاً بیان فرمایید.

راجع به این سؤال که آیا زوج معسر از پرداخت نقدی مهریه، برای طرح دادخواست اعسار حتماً باید به زندان برود تا بتواند دادخواست اعسار تقدیم نماید یا خیر پاسخ این است که اصولاً قانونی با مضمون فوق تصویب نگردیده است و از مقتن بعید است که چنین قانونی را وضع نموده یا وضع نماید و استنباط از ماده ۳ به نحو مذکور صحیح نیست و کاملاً اشتباه است. چرا که با کمی دقت به مفهوم جمله ماده ۳ نحوه اجرای محکومیتهای مالی، که متأسفانه توسط برخی از محاکم، به استناد آن محکوم علیه به پرداخت مهریه به زندان معرفی می گردید و متعاقباً تقاضای اعسار و تقسیم او قبول می شد، پی خواهیم برد که مقنن در مقام تذکر، بیان داشته که اگر محکوم علیه به هر دلیلی، پس از اینکه به لحاظ عدم تأدیه محکوم به، حبس گردید و در حبس ادعای اعسار تقدیم نمود، می بایست خارج از نوبت به خواسته وی رسیدگی و اگر اعسار وی ثابت گردید آزاد گردد (البته پس از قطعیت حکم)، کما اینکه در رأی وحدت رویه شماره ۶۶۳-۱۰/۲-۸۲ نیز بر این امر تأکید گردیده است و در این شعبه، حتی قبل از رأی وحدت رویه اخیر، صرفاً با محکومیت به پرداخت مهریه، دادگاه تقاضای اعسار و تقسیم محکوم علیه (زوج) به پرداخت مهریه را قبول و رسیدگی می نمود و رسیدگی می نماید و حتی الامکان از اعزاز به زندان محکوم علیه

جلوگیری و محکوم به را تقسیم می نماید که البته این امر، منوط به تقدیم دادخواست اعسار و تقسیم محکوم به، به موقع از سوی محکوم علیه است.

■ به عنوان ختم کلام، پیشنهاد، انتقاد، راهکار، توقع و انتظاری را که از مسؤولان دارید بیان فرمایید؟ اما در مورد اینکه قضاات چه توقعی از مسؤولان قوه قضاییه دارند. در مقام بیان، توقع این است که ریاست محترم قوه قضاییه و مسؤولان در قوه تمامی تلاش خود را جهت حفظ و ارتقای شأن و منزلت قضاات که همانا موجب ارتقای منزلت دستگاه قضایی خواهد بود به کار گرفته و از تضعیف قضاات که خطرترین و سخت ترین مسؤولیتها به آنان سپرده شده است توسط هر شخص یا اشخاصی که باشد به جد جلوگیری و ممانعت به عمل آید چرا که تضعیف قوه قضاییه و قضاات، خدای نخواسته از درون، دیگران را برای هجمه به قوه قضاییه و به این قشر خدوم و بازوی حکومت و جمهوری اسلامی به طمع خواهد انداخت و بررسی منجر به نتیجه، تأمین حقوق و مزایای مناسب با مسؤولیت و معاش قضاات، که سکوت و عدم ذکر مشکلات همکاران قضایی خود نیز حفظ شأن و منزلت آنان است و مطرح نمودن آن را صلاح نمی دانم، از توقعاتی است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز بر آن تأکید و امر فرمودند و امیدمان این است که به دستور امام معصوم (ع) عمل شود.

در پایان، دو مسأله مهم را به مسؤولان محترم قضایی و قوه مقننه متذکر می شوم. اول، کثرت طرح دعوی خانواده، بویژه طلاق به شرح دلائلی که عرض شد.

ثانیاً، به زندان رفتن شوهرانی که با رشد نرخ تورم، حقوق و درآمد مطابق با رشد نرخ تورم نداشته اند و قادر به تأدیه و پرداخت مهریه ریالی با نرخ روز و یا تحویل سکه طلای یا ارزش افزوده و با تعداد بالا نیستند. و به زندان رفتن خود را مرهون

رشد نرخ تورم می دانند نه امضای عقدنامه و قبول مهریه. بدیهی است با وضع قوانین مناسب پس از کارشناسی دقیق می توان، از طرح دعوی خانواده بویژه طلاق ممانعت نمود و ایضاً، از رشد تعیین مهریه های کلان و غیر معقول و تعیین شده از روی چشم و هم چشمی جلوگیری نمود. مزید اطلاع است که اعلام نمایم هنوز به خاطر ندارم که زوج به واسطه عدم توانایی از پرداخت مهریه به زندان رفته باشد و متعاقباً زوج خود را طلاق نداده باشد. باز هم یادآور می گردم این حدیث مختصر را از امام علی (ع) که: با اجرای عدالت در جامعه، برکات فزونی و مضاعف خواهد شد.

◀ محمد کاظم اسدیان کوهستانی. قاضی اجرای احکام حقوقی دادگستری شهری

اجرای احکام با عملکرد ضعیف می تواند زحمات دادگاه را از بین ببرد

دارای تحصیلات فوق لیسانس حقوق بین الملل و از سال ۱۳۷۹ شروع به کار قضایی نموده و تاکنون در سمت های کارشناس حقوق سازمانهای دولتی و بازرسی کل کشور فعالیت داشته و در حال حاضر قاضی اجرای احکام حقوقی دادگستری شهری می باشد.

■ چند نفر قاضی در واحد اجرای احکام این دادگستری مشغول فعالیت هستند و تقسیم پرونده های اجرایی فی ما بین آنها به چه صورت است؟

یک قاضی، با عنایت به اینکه یک قاضی در واحد اجرای احکام مشغول فعالیت است موضوع تقسیم پرونده ها منتفی است.

■ آمار پرونده های وارده به اجرای احکام چه میزان است؟

آمار پرونده های وارده در سال ۱۳۸۲ شامل

